



The Role of Social Monotheism in Shaping a Theology of Resistance: A Qur'anic Perspective

Mohammad Arab-Salehi

Professor, Department of Logic of Understanding Religion, Research Institute for Islamic Culture and Thought, Qom, Iran. arabsalehi@iict.ac.ir

Farideh Pishvaei (Corresponding Author)

Level Four, Comparative Exegesis, Masoumiyeh Seminary Institute of Higher Education, Qom, Iran. f.pishvaei@dte.ir

Use your device to scan and read the article online



Citation Farideh Pishvaei. [The Role of Social Monotheism in Shaping a Theology of Resistance: A Qur'anic Perspective (Persian)]. [QABASAT \(A Quarterly Journal on Philosophy of Religion and New Theology\)](#). 2025; 30 (115): 5–32

10.22034/QABASAT.2024.2031702.2327

Received: 10 June 2024 , **Accepted:** 03 January 2025

Abstract

Theology of Resistance is a religious paradigm rooted in Quranic principles, emphasizing justice for the oppressed and rejecting domination by unjust powers. It has gained prominence due to its global relevance and its role in shaping contemporary social movements and civilizational development. This study, using analytical and library research, explores the central role of social monotheism in forming the foundations, mechanisms, aims, and outcomes of resistance. Social monotheism is identified as the core of this theology, clearly distinguishing it from secular or humanistic approaches. The Quranic model calls for opposing oppression, eliminating class divisions, fostering unity around divine values, social resilience, and avoiding alliances with oppressors. The ultimate goal is communal worship and full devotion to God, extending resistance to scientific, economic, and military fields. Achievements include divine protection and blessings, providing deterrence, potential for transformative change, and laying the groundwork for a monotheistic society and the advent of Imam Mahdi.

Keywords: Theology of Resistance, Social Monotheism, Mechanism, Goals, Arenas, Achievements.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نقش توحید اجتماعی در صورت‌بندی الهیات مقاومت با تأکید بر قرآن^۱

محمد عرب صالحی

استاد گروه منطق فهم دین پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. قم. ایران. arabsalehi@iict.ac.ir

فریده پیشوایی، (نویسنده مسئول)

سطح چهار تفسیر تطبیقی موسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه، قم. ایران. f.pishvae@iict.ac.ir

Use your device to scan
and read the article online



Citation Farideh Pishvae. [The Role of Social Monotheism in Shaping a Theology of Resistance: A Qur'anic Perspective (Persian)]. [QABASAT \(A Quarterly Journal on Philosophy of Religion and New Theology\)](#). 2025; 30 (115): 5-32

10.22034/QABASAT.2024.2031702.2327

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۷ ، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۳

چکیده

الهیات مقاومت به عنوان پشتوانه عقیدتی نظریه مقاومت، در بستر رخداد‌های تاریخی اخیر و بر اساس عدالت‌محوری، با هدف دفاع از مظلومان و نفی سلطه کفار در برابر محور شرارت شکل گرفته است. این مفهوم به دلیل جهانی شدن، ریشه‌های قرآنی و نقش تمدن‌سازش در حرکت‌های اجتماعی معاصر، اهمیت پژوهشی بالایی دارد. این مقاله با فرض تأثیر تام توحید اجتماعی بر الهیات مقاومت، به روش کتابخانه‌ای و رویکرد تحلیلی، نقش توحید اجتماعی را در پایه‌ها، سازکارها، اهداف، عرصه‌ها و دستاوردهای مقاومت بررسی کرده و تمایز آن را از مقاومت مسیحی، سکولار یا امانیستی روشن می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد توحید اجتماعی، بنیان الهیات مقاومت است؛ بر این اساس، سازکار قرآنی مقاومت‌ورزی شامل مقابله با بردگی مستکبران، نفی فاصله طبقاتی، استقامت حول ارزش‌های الهی، تاب‌آوری اجتماعی و ممنوعیت دوستی با کفار است. در این چارچوب، هدف نهایی پرستش اجتماعی و تحقق عبودیت کامل خداوند بوده و با نفی سلطه خدایان دروغین و طواغیت، مقاومت تمامی عرصه‌های علمی، اقتصادی و نظامی را دربر می‌گیرد. این رویکرد، دستیابی به بازدارندگی، نزول برکات الهی و زمینه‌سازی برای جامعه توحیدی و ظهور حضرت حجت (عج) را به عنوان دستاوردهای اصلی به ارمغان می‌آورد.

واژگان کلیدی: الهیات مقاومت، توحید اجتماعی، سازوکار، اهداف، عرصه‌ها، دستاوردها.

۱. این مقاله تحت حمایت مادی بنیاد ملی علم ایران (INSF) برگرفته‌شده از طرح شماره «۴۰۳۳۴۴۱» انجام شده است.

This article was financially supported by the Iran National Science Foundation (INSF) and is derived from the research project No. 4033441.



بیان مسئله

نظریه مقاومت که از پایه‌ای‌ترین مفاهیم گفتمان انقلاب اسلامی در تاریخ معاصر به شمار می‌آید از موضوع‌های نوپدید است که ادبیات نظری آن متأخر از تحقق عملی و عینی و ناظر به واقعیت بیرونی در حال تولید است. مبانی نظری مقاومت از زاویه‌های گوناگون فقهی، سیاسی، اجتماعی و روان‌شناسی مطالعه پذیر است. یکی از شاخه‌های مطالعاتی نظریه مقاومت، زاویه الهیاتی است. در اصطلاح حکیمان اسلامی، مسائل مربوط به خداوند از جمله اثبات وجود خدا، وحدت وی، صفات ثبوتیه و سلبیه او، عموم و شمول قدرت و مشیت وی، جبر و تفویض و... «الهیات بالمعنی الاخص» نامیده می‌شود (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۴۶۷) اما زمانی که «الهیات» به عنوان مضاف به کار گرفته می‌شود و مضاف‌الیه مقاومت باشد، مراد گفتمان و چهارچوبی است که مجموعه مسائل الهیاتی پیرامون مقاومت را بررسی می‌کند و آن را از زاویه الهیاتی واکاوی کرده و نقش باور به خداوند و دین را در حوزه مقاومت تعیین می‌کند و به پرسش‌های آن، پاسخ الهیاتی می‌دهد. اگر مقاومت را ایستادگی در برابر جبهه استکبار و نپذیرفتن سلطه او و تلاش خستگی‌ناپذیر در برقراری عدالت اجتماعی در سطح جهانی بدانیم از این رو مقاومت باید بر پایه سلسله مبانی فکری و اعتقادی قوی می‌باشد که ویژگی‌های پیش‌گفته بتوانند برآمده از آن باشند. از این رو مراد از الهیات مقاومت - که پویا، تهاجمی، و بر پایه تفکر و دوراندیشی است - خوانش الهیاتی نظریه مقاومت خواهد بود که بر پایه باز تفسیر اجتماعی قرآن و سنت با رویکرد ایستادگی در جبهه حق صورت‌بندی خواهد شد. تفاوت این‌گونه مقاومت، در جایگاه سنجش با نمونه‌های آن - همانند مقاومت در جنبش‌های اومانیستی، انتقادی - اعتراضی مسیحی یا سکولار - در این است که سطوح و جنبه‌های گوناگون آن به وسیله مبانی و گزاره‌های اسلامی پشتیبانی می‌شود و همین خصلت معرفتی است که آن را از غیر جدا می‌کند.

موضوع این پژوهش، از جنبه‌های گوناگون مانند فراجغرافیایی و جهانی شدن مقوله مقاومت و کنش‌گری فراملیتی آن بر اساس فطرت الهی، نقش‌آفرینی نظریه مقاومت در تحقق تمدن نوین اسلامی، زمینه‌سازی برای ایجاد جامعه منتظر و... ارزشمند است و به دنبال آن،

نقش توحید اجتماعی در صورت‌بندی الهیات مقاومت با تأکید بر قرآن

واکاوی نقش توحید اجتماعی به سبب اشتراک اصل محوری توحید در ادیان الهی به مثابه بن‌مایه اصلی نظریه مقاومت در صورت‌بندی الهیات مضاف به آن، ضرورت می‌یابد، به‌ویژه آنکه خلأ پژوهشی در این زمینه وجود دارد. با توجه به ریشه‌داشتن نظریه مقاومت در مفاهیم و آموزه‌های ناب قرآنی، پژوهش پیش‌رو در صدد پاسخ به این پرسش است که بر پایه خوانش اجتماعی از توحید و محوریت آیات قرآن، الهیات مقاومت بر چه اساسی و چگونه صورت‌بندی خواهد شد؟ به بیان روشن‌تر زیربنا، سازوکار، اهداف، عرصه‌ها و دستاوردهای تحقق مقاومت با در نظر گرفتن توحید اجتماعی چگونه واکاوی می‌شود؟

فرضیه پژوهش، بیان‌گر این است که مقاومت به عنوان مفهومی بنیادین، توسعه معنایی داشته و فراتر از ایستادگی در برابر استکبار و صبر بر ناملایمات جنگ و محاصره اقتصادی و...، جنبه ایجابی هم دارد؛ مانند تقویت بنیه علمی و یا نظامی و... ویژگی‌های یادشده در نظریه مقاومت، جز با توحید اجتماعی، دست‌یافتنی نیست و با توجه به گستردگی آیات قرآن در این زمینه، الهیات مقاومت بر اساس دو مؤلفه اصلی توحید اجتماعی و مؤلفه‌های فرعی آن صورت‌بندی می‌شود. سرچشمه و زیربنای الهیات مقاومت، توحید اجتماعی است که هم از جنبه نظری و هم از جنبه عملی در سازوکار، عرصه‌ها، اهداف و دستاوردها و ثمرات الهیاتی مقاومت نقش تعیین‌کننده دارد.

در اینجا مراد از صورت‌بندی، تعریف و بیان روشن و دقیق از الهیات مقاومت بر پایه فهرست‌سازی از سازه‌های مفهومی، مبانی نظری، عرصه‌ها، اهداف و دستاوردهای مقاومت از نگاه دینی و وحیانی است. به دیگر بیان، صورت‌بندی چهارچوبی است که بر اساس ارکان و مؤلفه‌های مقوم، وضع و رخساره مقاومت را در گفتمان دینی تعیین کرده و نشان می‌دهد.

پیشینه

برخی از آثاری که درباره الهیات مقاومت آثاری منتشر شده عبارتند از: کتاب مقاومت اسلامی از نگاه قرآن کریم (بر اساس دیدگاه‌های مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای) (یوسفی مقدم، ۱۴۰۳) و مقاله «مبانی انسان‌شناختی الهیات مقاومت در اندیشه امام موسی صدر» (بیگلری، ۱۴۰۱) و مقاله «نقش توحیدباوری در مقاومت اسلامی از دیدگاه قرآن کریم» (خراسانی، ۱۳۹۹).

برجستگی مقاله پیش رو نسبت به آثار یادشده، در اجتماعی دانستن ماهیت توحید ناب اسلامی بر پایه قرآن و نقش آن در صورت بندی الهیات مقاومت است که پیش از این به آن پرداخته نشده است که از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. موضوع و مسئله مقاله نوآوری دارد؛ چراکه پایه اصلی بحث بر توحید اجتماعی است، به گونه ای که این مسئله در تمام اجزای مقاله نمایان است و چنین برداشتی از توحید با مؤلفه های آن بر پایه آیات قرآن، از ویژگی های نویسنده های مقاله است؛

۲. نوع نگاه مقاله به مسئله مقاومت و جنبه های گوناگون آن - به ویژه وجوه اثباتی آن - دارای نوآوری است؛

۳. بن مایه و زیربنادانستن توحید اجتماعی برای مقاومت، از وجوه ویژه این مقاله در سنجش با آثار دیگر است؛

۴. استخراج اضلاع چهارگانه مقاومت از قرآن کریم - که بر پایه توحید اجتماعی است - در هیچ مقاله و تحقیقی بررسی نشده است؛

این تحقیق از حیث هدف، بنیادی بوده و روش آن از نظر گردآوری مستندات، کتابخانه ای و از لحاظ ماهیت، تحلیلی - اکتشافی است و با تکیه بر آیات قرآن و فهم اجتماعی از توحید سامان یافته است.

۱. مفهوم شناسی

مفاهیم کلیدی این تحقیق که نیازمند تعریف دقیق و عملیاتی هستند، عبارت اند از:

۱-۱. مقاومت

واژه مقاومت در قرآن به کار گرفته نشده، ولی مفهومی قرآن بنیان و ذوابعاد است که با واژگانی همچون استقامت، صبر و شکیبایی، طاقت و تحمل، ثبات قدم و جهاد هم افق بوده است و پیوند معنایی دارد. مقاومت در لغت از ماده «ق و م» و قام به معنای عزم و تصمیم راسخ (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۴۳) است و قوام هر چیز، نظام و عمود آن (مهنّا، ۱۴۱۳ق، ج ۲،

نقش توحید اجتماعی در صورت‌بندی الهیات مقاومت با تأکید بر قرآن

ص ۴۳۱) و چیزی است که به وسیله آن استقامت ورزیده می‌شود و زمانی که انسان مطیع امری شود و در راه آن استمرار داشته باشد در آن استقامت دارد (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۲۳۳) استقامت، ملتزم شدن انسان برای بودن در راه راست است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۷۵). مقاومت مصدر «قاوم» به معنای دست به گریبان شدن، رودررو شدن و مبارزه کردن (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۲۳۳) در جنگ و تعارض و مانند آن به کار می‌رود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۴۹۹) و در زبان فارسی به ایستادگی و ضدیت (عمید، ۱۳۸۹، ص ۹۶۵) معنا شده و باتوجه به باب مفاعله - که معنای مشارکت دارد - به معنای «با کسی در امری برابری و رویارویی کردن» است و با در نظر گرفتن معنای لغوی آن، می‌توان مقاومت را ثبات قدم داشتن همراه با استواری و توانایی و قوت در برابر دشمن معنا کرد که دلالت التزامی بر محکم شدن و قدرت مند شدن برای ایستادگی و رویارویی پیروزمند با روابط سلطه جویانه در همه ساحت‌ها را دارد. از این رو در این پژوهش، مراد از مقاومت، اعتقاد راسخ و استوار و پیوسته به مبانی و آموزه‌های اسلامی، همراه با اقدام عملی و استقامت ورزی عینی در مبانی و اصول است که افزون بر تجهیز مسلحانه، مجهز شدن به هر ابزار مشروع جهت تقویت قوا در برابر نظام‌های خودکامه و مستکبر در زیست سیاسی - اجتماعی را به دنبال دارد.

۲-۱. الهیات مقاومت

الهیات مقاومت که از زمره الهیات مضاف به شمار می‌آید - با این پیش فرض که دین باید نیازهای عملی انسان را برطرف کند - ذیل الهیات عملی قرار می‌گیرد. این سنخ از الهیات که هریک با موضوعی از مباحث زندگی انسان گره خورده است، به دنبال پاسخ‌گویی به پرسش‌های انسان از متن دین است. بر این اساس، الهیات مقاومت، دانش فرانگرانه از دیدگاه الهیاتی پیرامون مقاومت و استخراج سرچشمه و خاستگاه، سازوکار و غایات و اهداف و دستاوردهای آن و صورت‌بندی تئوریک دینی و وحیانی از مقاومت است.

مقاومت می‌تواند هم رویکرد دینی و هم رویکرد غیردینی داشته باشد. در الهیات مقاومت، نظریه مقاومت در کلان‌الگوی دین واکاوی شده و خوانش مؤمنانه و قدسی از مقاومت ارائه می‌شود و جلوه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن با رویکرد وحیانی کاویده می‌شود. همچنین

از مفاهیم هم‌سو با الهیات مقاومت، می‌توان به الهیات رهایی‌بخش اشاره کرد. «الهیات رهایی‌بخش، یک جنبش سیاسی و الهیاتی در جهان مسیحیت است که کانون اصلی پیدایش آن، آمریکای لاتین بوده است. این جنبش الهیاتی، برای مبارزه با فقر، تبعیض و بی‌عدالتی پدید آمده است و می‌کوشد با ارائه تفسیری از ایمان مسیحی انقلابی و ظلم‌ستیزانه، به پشتیبانی از نیازمندان برخاسته و به رنج آنها پایان دهد. این الهیات، از تفسیرهای مارکسیستی برای تفسیر واقعیت‌های اجتماعی بهره می‌گیرد، اما از جهت هستی‌شناختی به اصول مسیحیت وفادار است. این نظام الهیاتی، با معناگذاری جدید عقاید مسیحی، تفسیری انقلابی و نواز مسیحیت عرضه می‌کند و فقرا را مجرای فیض خداوند می‌داند که مسیح به خاطر آنها قیام کرد تا آنها را آزاد کند؛ مفاهیمی همچون ترجیح فقرا، تأکید بر عمل انقلابی و اجتماعی، انتقاد از فقر و بی‌عدالتی، گناه ساختاری و نگاهی انقلابی به شخصیت مسیح و تعریف نقش رهایی‌بخشی برای کلیسا از محورهای اصلی این نظام الهیاتی است» (همتی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۳). به خودی خود، الهیات مقاومت برگرفته از آموزه‌های دین اسلام - که بر اساس مقاومت در برابر سلطه طاغوت بنیان نهاده شده است - با وجود تشابه با برخی مولفه‌های الهیات رهایی‌بخش، از نظر ماهیت، مبنا و هدف با این الهیات متفاوت خواهد بود.

۳-۱. توحید اجتماعی

توحید اجتماعی، گرانیگاه و محوری‌ترین مسئله کلام اجتماعی و معرفت به دست آمده از رویکرد اجتماعی به توحید و فهم اجتماعی از آن است که از جنبه‌های گوناگون می‌تواند به شکل دانش، دانش‌واره یا در قالب نظریه، کلان‌الگوی فکری، طرح عملیاتی کلان و یا دکتترین اجتماعی به جامعه علمی ارائه شود؛ باورمندان به رویکرد اجتماعی در توحید، منزلتی اجتماعی برای ذات توحید قائل هستند.

این برداشت از توحید، ریشه در آیات قرآن دارد. از صریح آیات مبین توحید در قرآن، چنین اصطیاد می‌شود که توحید دو سویه دارد و بدون یکی از آنها، پایه توحید انسان لرزان و ناقص خواهد بود. این دو سویه، دو مؤلفه اساسی توحید هستند که در کلام سنتی از یکی از آنها غفلت شده است. نوع آیات توحیدی هر دو مؤلفه را یک جا آورده‌اند: مؤلفه اول، ایمان به

نقش توحید اجتماعی در صورت‌بندی الهیات مقاومت با تأکید بر قرآن

وحدانیت خداوند و مؤلفه دوم، نفی عبودیت ماسوی‌الله و برابر آیات قرآن، هرکدام از این دو مؤلفه اصلی دارای مؤلفه‌های فرعی هستند (ر.ک: عرب صالحی و پیشوایی، ۱۴۰۲ الف). آنچه نوع متکلمان و فلاسفه و مفسران به آن نپرداخته‌اند و راز اجتماعی بودن ذات توحید هم در همان است، مؤلفه دوم یا همان جنبه سلبی توحید و نفی عبودیت غیرخداست. به گواهی آیات ۵۰، ۶۱، ۸۴ سوره هود و آیه ۲۵ سوره انبیاء، این دو مؤلفه در دعوت همه انبیای الهی به توحید به‌طورکلی، نمایان است. در این آیات، در ارائه مفهوم توحید بیش از هر چیز، بر نبود خدایی غیر از الله، ردّ الوهیت غیرخدا و برحذر داشتن از عبودیت و اطاعت از غیرخدا سفارش شده است و برای اینکه توحید به‌عنوان بنیادی‌ترین آموزه اسلام، به‌گونه‌ای کامل پیاده شود، هر دو سویه اثباتی و نفیی آن باید در زندگی فردی و اجتماعی انسان در نظر گرفته شود و در اصل، توحید در ذات خود، اجتماعیت را دارد؛ چراکه نفی عبودیت غیر الله - که در ذات توحید نهفته است - یک امر در ذات خود اجتماعی است. در این راستا، به گفته آیت الله خامنه‌ای، بندگی خدا، نفی بندگی هر موجود و قدرت دیگر است. وقتی ما بندگی خدا را اثبات می‌کنیم، درحقیقت بندگی خودمان نسبت به هر موجود دیگر را نفی می‌کنیم که یکی از دو پایه توحید است (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۱ الف، ص ۵۷-۵۸). «انِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل: ۳۶)؛ اولاً عبودیت خدا، یعنی چهارچوب حیات را در خدمت اوامر الهی و نواهی الهی قراردادن؛ و [ثانیاً] اجتناب از طاغوت، همه ظالمان، همه پادشاهان خبیث، در مثل امروزی همه رؤسای جمهور مثل اینهایی که امروز در آمریکا و در بعضی از کشورهای دیگر هستند، شامل می‌شود و معنای اجتناب از طاغوت هم این نیست که دامن را از آنها دور کنیم تا آلوده نشویم؛ معنایش این است که یک خطی در مقابل خط توحید و خط عبودیت الهی وجود دارد و آن، خط طاغوت است. کفر به طاغوت، همراه و ملازم با ایمان بالله است.^۱

بنا بر ماهیت اجتماعی توحید، کل زیست اجتماعی انسان - چه در جایگاه تئوری و نظریه‌پردازی و چه در جایگاه فعل اجتماعی - باید توحیدی باشد؛ همه جا باید رنگ الهی بگیرد و به‌طور طبیعی، چنین امری از همان ابتدا نسبت به تمام الهه‌ها اعلان موضع کرده،

۱. بیانات رهبری در دیدار با مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، در تاریخ ۱۳۹۸/۰۱/۱۴.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42152>

همه را نفی می‌کند؛ یعنی توحیدی که با زندگی اجتماعی انسان‌ها و با جامعه، به هم ساییده و در پیوند کامل باشد، الگوی رفتاری آنها را در تمام جنبه‌ها و پهنه‌های زندگی تعیین کرده و به معنای واقعی کلمه، جنبه سلبی لا اله الا الله فعلیت یابد. بایسته این امر، استقامت در ایمان به ربوبیت خداوند و پیروی بی‌چون و چرا از اوست؛ همچنانکه در آیاتی از قرآن، ایمان به خدا و نفی عبودیت غیر او، همراه با امر به استقامت آمده است مانند: «أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ» (فصلت: ۶). در این آیه، مراد از استقامت این است که توجه کامل تنها به خداوند باشد و نه آلهه دیگر (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۲۰۱۷). در تفسیر «فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ» گفته شده اکنون که اله شما واحد است و شریکی ندارد، به توحید او قیام کنید و آلهه و شرکاء متفرق و گوناگون را نفی کنید (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۷، ص ۳۶۱) و از آنچه که بر حقانیت آن شهادت دادید - یعنی انحصار ربوبیت خداوند و الزامات عملی آن - منحرف نشوید (همان، ج ۱۸، ص ۱۹۶) و بر آن استوار باشید. همچنین در آیه: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا» (فصلت: ۳۰ / أحقاف: ۱۳) مراد از استقامت، استقامت بر پیروی از خدا در عمل و ملازمت با سنت پیامبر ﷺ و نفی هر نوع شرک از اوست (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۲، ص ۴۹۸ / ابن سیده، ۱۴۲۱ ق، ج ۶، ص ۵۹۰) که با ماهیت اجتماعی توحید پیوند تنگاتنگی دارد. از نگاه طبرسی در آیه «إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ» (بقره: ۱۳۱) مراد از تسلیم در برابر رب، استقامت بر اسلام و ثبات قدم در توحید یا خالص کردن دین به وسیله توحید است، مانند: «فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» (محمد: ۱۹) (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۹۸). این آیه، دلیل روشن و محکمی است بر اینکه «عمل» تنها چیزی است که ایمان به خدا را در حقیقت و واقع بازتاب می‌دهد و اینکه انسان بگوید من مؤمن هستم، اما ایمانش را به رفتار و عمل در ارتباط با خدا، خود و جامعه‌اش تبدیل نکند، دروغ‌گوی کذاب است (مغنیه، ۱۴۲۴ ق، ج ۶، ص ۴۹۰). افزون بر این در حدیثی از پیامبر ﷺ امر به استقامت به دنبال امر به ایمان به خدا آمده است «قُلْ آمَنْتُ بِاللَّهِ ثُمَّ اسْتَقِمْ» و مراد استقامت در اطاعت مطلق از خداوند و ترک شرک است (ازهری، ۱۴۲۱ ق، ج ۹، ص ۲۶۹) که برابر با دو مؤلفه توحید اجتماعی است.

۲. نفی عبودیت غیرخدا، زیربنای الهیات مقاومت

ایمان به ربوبیت الهی و پیروی از قوانین خداوند و دستورهای گماشتگان او و روی گردانی از پیروی غیر او، الهام‌بخش و سرچشمه معرفتی الهیات مقاومت است. توضیح آنکه تدبیر و مدیریت جهان هستی، ویژه خداوند است و آیات الهی با اثبات توحید ربوبی، عبادت را برای خداوند منحصر می‌کند. پیوند بین عبادت و ربوبیت در آیاتی چون «وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ» (مریم: ۳۶) آشکار است. همچنین در برخی از آیات از جمله «اعْبُدُوا اللَّهَ» (رَبِّي وَرَبَّكُمْ) (مائده: ۱۱۷) و «اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ» (بقره: ۲۱) ربوبیت، علت برای عبادت است و به عبارتی می‌توان عبادت را از شؤون ربوبیت شمرد. زمانی که عبودیت بر پایه وحدانیت در ربوبیت الهی، ویژه خداوند می‌شود، می‌بایست در برابر هرآنچه بازدارنده عبودیت در برابر پروردگار است، مقاومت کرد. از نگاه سید قطب، وجود مؤمنان و کسانی که تسلیم امر خدا شدند، تهدیدکننده سلطه طواغیت است؛ حتی اگر مؤمنان تنها به خود مشغول باشند و امر طاغوت‌ها را به خدا واگذار کنند تا موعدشان فرارسد، آنها با مؤمنان و تسلیم‌شدگان در برابر خداوند یگانه ستیز دارند؛ یعنی خود بودن حق، معرکه با باطل را واجب می‌کند (سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۳، ص ۱۳۱۸).

در آیه «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ» (فصلت: ۶) امر به استقامت در راه خدا به دنبال بایستگی اعتقاد به توحید و نتیجه آن شمرده شده است. در تفسیر آیه گفته شده یعنی خدای شما، الهی است که تنها او استحقاق عبودیت دارد نه خدایان گوناگون دیگر؛ اینکه می‌فرماید: «فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ» یعنی به توحید او و نفی شرکاء از او قیام کنید (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۷، ص ۳۶۱) و از راه توحید و خلوص در عبودیت و نفی شرک، اعم از شفعاء و سرپرستان غیرخدا خارج نشوید (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۸۶)؛ به عبارتی هم اعتقاد لازم است هم عمل. امام علی (ع) در تفسیر این آیه می‌فرماید: «شما گفتید پروردگار ما الله است؛ اکنون بر سر این سخن پای مردی کنید، بر انجام دستورهای کتاب او و در راهی که فرمان داده است و در راه پرستش شایسته او، استقامت به خرج دهید و از دایره فرمانش خارج نشوید» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶). در آیه «إِنَّ

الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا» (فصلت: ۳۰) هم مراد از استقامت، لزوم قرارداد داشتن و ثبات در راه توحید و عدم انحراف از راه توحید و سخنی است که به زبان آورده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۷، ص ۳۸۹). این خوانش از توحید است که الهام‌بخش و مبنای اعتقادی و نظری مقاومت بوده و با قدرت و قوت بخشی به موحدان، آنان را به ایستادگی در اعتقاد و عمل فرامی‌خواند. توحید اجتماعی، عرفان نظری و اقدام عملی را هم‌زمان در جامعه بازتولید کرده و در برقرار کردن حاکمیت توحید - با تأکید بر مفهوم عبودیت - تنها معبود و تنها یاور انسان را خداوند معرفی می‌کند. این امر در جمله «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» (حمد: ۵) که از متفرعات «الْحَمْدُ لِلَّهِ» به شمار می‌آید، بازتاب داشته است. «عبادت یعنی اطاعت کردن و خود را دست یک مرکزی سپردن، همه چیز را برای خدا خواستن، همه تلاش‌ها را در راه خدا سازمان‌دهی کردن، همه سودها را در این دانستن که انسان به سمت خدا حرکت بیشتر می‌کند، همه زیان‌ها را در این دانستن که انسان از این حرکت بازماند». (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۱، ص ۲۶۸). برای این اساس، زمانی که گستره عبودیت در برابر خداوند و ربوبیت الهی تمام جنبه‌ها و گستره‌های زندگی انسان را دربرگیرد و روح توحید در تمام جامعه دمیده شده باشد و همه حول محور توحید گردآمده باشند و در این باور، در عمل ایستادگی کنند، جایی برای اظهار وجود و خودنمایی خدایان دروغین، متجاوز و طاغی باقی نخواهد ماند. این امر مقید به هیچ قیدی نشده است و از این رو می‌تواند به وسعت زندگی انسان و خود به خود در زیست اجتماعی‌اش نمود داشته باشد. اگر توحید، تنها یک باور نظری بود، به‌آسانی با توحید صوفیه منعزل از اجتماع که بویی از مقاومت در آن نیست، هم قابل جمع می‌بود و هرگز کسی از سوی آن احساس خطر نمی‌کرد.

۳. نقش توحید اجتماعی در سازوکار تحقق مقاومت

برابر با آیات قرآن، توحید اجتماعی در فرایند مقاومت، باتکیه بر نفی جبهه استکبار و مبارزه قاطع و بی‌امان با مستکبران به شیوه‌های زیر تأثیرگذار است:

۳-۱. مقابله با ظلم و بهره‌دهی و بردگی در قبال مستکبران

توحید اجتماعی بیش از هر چیز با بردگی و بهره‌کشی ستم‌گرانه از قشرهای محروم جامعه

نقش توحید اجتماعی در صورت‌بندی الهیات مقاومت با تأکید بر قرآن

و فرمان‌بری و کرنش مستضعفان در برابر مستکبران جامعه و منافع‌شان در تضاد است و بر آن پافشاری می‌کند و این همان نفوذ توحید در عینیت جامعه است. توحید اجتماعی، از راه اثبات برتری مطلق خداوند بر تمام مخلوقات و امر به پرستش خدای یگانه، کرامت خدادادی انسان (ر.ک: اسراء: ۷۰) را تضمین می‌کند و انسان را از اسارت زنجیرهای عبودیت غیرخدا و تمامیت‌خواهی و سلطه‌جویی معبودان دروغین می‌رهاند. برای تحقق کامل این امر، وظیفه موحدان رویارویی با تجاوز به محدوده فرمانروایی خداوند و استثمار و بهره‌کشی اقتصادی و سیاسی، فرهنگی و... از انسان‌ها، ملت‌ها و ایستادگی و پافشاری در این امر است؛ چراکه عزت و آزادی انسان خروج از ولایت طاغوت و قرارگرفتن در سایه بندگی تام خداوند است. در برابر آن، به شهادت آیات قرآن، بردگی و بهره‌دهی و فرمان‌بری بی‌قید و شرط و کرنش در برابر آنان، جز خواری و تحقیر و سرانجام بد، چیزی نخواهد داشت:

«لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَّخْذُولًا؛ با خدای یکتا، خدای دیگری به خدایی مگیر که نکوهیده است و خوار خواهی ماند» (اسراء: ۲۲).

«وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُلْقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدْحُورًا؛ با خدای یکتا خدای دیگری مپندار که ملامت شده و مطرود به جهنم اندازند» (همان: ۳۹).

«وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكِبَرَاءَنَا فَأَصَلَّوْنَا السَّبِيلَ؛ و گویند ای خدا، ما اطاعت امر بزرگان و پیشوایان (فاسد) خود را کردیم که ما را به راه ضلالت کشیدند» (احزاب: ۶۷).

در این راستا از سازوکارهای مقاومت، امر به مبارزه با کانون‌های ظلم و دفاع از مظلومان و مستضعفان جدای از مرزهای جغرافیایی و عقیدتی واکاوپذیر است:

«وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا؛ و چرا شما در راه خدا [و در راه نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید؟ همانان که می‌گویند پروردگارا، ما را از این شهری که مردمش ستم‌پیشه‌اند بیرون ببر و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار ده و از نزد خویش یآوری برای ما تعیین فرما» (نساء: ۷۵).

از این آیه به گونه ای استفاده می شود که بر مسلمانان واجب است اگر دیدند مسلمانی در بند ستم کاری شد به اندازه قوه و قدرت خود باید اقدام کنند و آن شر را از بین ببرند (طیب، ۱۳۶۹، ج ۴، ص ۱۳۷). این امر از طبیعت و لازمه توحید است و از آنجاکه کشورهای استکباری منافع خود را در خارج از مرزهای جغرافیایی و در غارت اموال و منابع طبیعی ملت های دیگر پی می گیرند. از این رو دفاع از مستضعفان عالم به ویژه دفاع از سرزمین های اسلامی، در الهیات مقاومت، فریضه شمرده می شود.

۲-۳. نفی فاصله طبقاتی

تلاش برای استقرار عدالت و نفی تبعیض طبقاتی و قیام همگانی به قسط و عدالت، از سازوکارهای مقاومت و محقق شدن عملی نظریه مقاومت است. از دیدگاه توحید اجتماعی، تمام انسان ها عبد خداوند بوده و در بندگی خداوند، یکسان هستند. در برابر آن، نظام های مادی قرار دارند که به باور آیت الله خامنه ای، در آنها آبادی وجود دارد؛ یعنی قدر مطلق پیشرفت های مادی خوب است؛ اما درباره همان پیشرفت های مادی هم تعادل و نگاه عادلانه وجود ندارد. برای نمونه، در کشور ثروتمندی همچون آمریکا، ثروتمندش اولین ثروتمند دنیاست، اما فقیرش هم گاهی بدترین فقیر دنیاست؛ از سرما، گرما و گرسنگی می میرد. این برای یک جامعه خوشبختی نیست، گرچه تولید ناخالص داخلی شان ده برابر یک کشور دیگر است؛ یعنی حتی در برخورداری های مادی هم عدالت و همه گیری نیست، چه برسد به برخورداری معنوی؛ آرامش روانی و توجه به خدا، گذشت، اغماض، ترحم و دستگیری از بندگان خدا نیست.^۱

در جامعه غیرتوحیدی که ویژگی آن، طبقاتی بودن است، توده های انسانی به عنوان افراد پست و رذل شمرده می شوند؛ به همین دلیل در طول تاریخ، یکی از عوامل گریز اشراف از پذیرش دین الهی، آن بود که همان توده ها به پیامبران ایمان می آوردند. قرآن، نگرش جامعه اشرافی و طبقاتی را به ایمان توده ها چنین توصیف می کند: «قَالُوا أَنْتُمْ لَكُمْ وَ

۱. بیانات رهبری در دیدار با دانشجویان در تاریخ ۱۳۸۷/۰۷/۰۷.

نقش توحید اجتماعی در صورت‌بندی الهیات مقاومت با تأکید بر قرآن

اتَّبَعَكَ الْأَرْذُلُونَ؛ (قوم نوح) گفتند: آیا به تو ایمان بیاوریم و حال آنکه فرومایگان از تو پیروی کرده‌اند؟» (شعراء: ۱۱۱)؛ «فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَمَا نَرَاكَ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا بِآدِي الرَّأْيِ وَمَا نَرَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ؛ پس سران قومش که کافر بودند گفتند: ما تو را جز بشری مثل خود نمی‌بینیم و جز فرومایگان ما، آن هم نسنجیده، نمی‌بینیم کسی تو را پیروی کرده باشد و شما بر ما امتیازی ندارید، بلکه شما را دروغگو می‌دانیم» (هود: ۲۷).

توحید الهی یعنی اینکه همه مردم، تنها بندگان خدا باشند و بنده کس دیگری نباشند. پیامبر ﷺ با این ایده، هدف و فکر وارد اجتماع می‌شود تا آن جامعه طبقاتی را دگرگون و ویران کند و یک جامعه توحیدی بی‌طبقه، بی‌تبعیض، بی‌ظلم تحت حکومت پروردگار عالم به وجود بیاورد (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۲۸۴). با در نظر گرفتن ویژگی توحید اجتماعی و توصیه به قیام به قسط در تمام ابعاد و انحای جامعه و معرفی آن به عنوان هدف پیامبران الهی، اقدام همگانی در برپایی قسط به معنای استقرار عدالت اجتماعی در جامعه و تشکیل یک جامعه همراه با عدالت و قسط، بخشی از هندسه مقاومت است.

۳-۳. استقامت اجتماعی حول ارزش‌های الهی

اگر تنظیم امور جامعه و نظام بخشی اجتماعی، به اندیشه غیرتوحیدی واگذار شده و از قوانین و ارزش‌های الهی که از سوی خداوند تعیین شده، سرپیچی شود و در برابر حاکمان غیرالهی و سلطه‌جویان مقاومتی انجام نشود، جامعه دچار شرک اجتماعی می‌شود که رهاورد آن، تشتت و بی‌ثباتی در جامعه و تخلف از سنت عبادت خدا در جهان خواهد بود. در برابر آن، با خوانش اجتماعی از توحید، حاکمیت ارزش‌های الهی بر جامعه و نفی حکومت‌های طاغوتی، استبدادی، فاسد و طغیان‌گر بر ارزش‌های انسانی و عدالت خواهانه تعیین پیدا می‌کنند و حرکت جامعه روبه‌رشد و تعالی خواهد بود؛ بنابراین از سازوکارهای مقاومت با رویکرد الهیاتی، تلاش و استقامت اجتماعی حول تثبیت و استقرار ارزش‌ها و معیارهای الهی و کوتاه نیامدن از آنها در جامعه و زیست اجتماعی است؛ به گونه‌ای که تمامی مناسبات اجتماعی و تنظیم روابط بین افراد، حول این ارزش‌ها بوده و فضایی

همچون عدالتخواهی، تواضعی به حق و تواضعی به صبر و... عامل نظم اجتماعی و هماهنگی بین کنش‌گران می‌شود. از این مقاومت می‌توان به مقاومت فرهنگی یاد کرد. در چنین جامعه‌ای حرص‌ها، هوای نفس‌ها، جهالت‌ها، دنیا طلبیها، بغضهای شخصی، حسادت‌ها، بخل‌ها، لابی‌گری و استفاده از آزادی‌ها در جهت فساد، فحشا و اشاعه گناه و... رخت بر بسته و افراد به جای منفعل شدن، احساس ضعف کردن، عقب‌نشینی کردن، روزه‌روز در برابر دشمنان خدا احساس، اقتدار بیشتری پیدا می‌کنند.

۴-۳. ایستادگی و تاب‌آوری در برابر مصائب و بحران‌های اجتماعی

در الهیات مقاومت، یکی از مهم‌ترین سازوکارها، ایستادگی در برابر مصائب و بحران‌های اجتماعی با ایمان و اتکا به قدرت الهی بوده که نشان‌دهنده حضور خداوند در زیست اجتماعی است: «أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ» (بقره: ۱۰۷)؛ «بَلَى مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۱۱۲) و همان‌گونه که خداوند وعده داده، نصرت الهی شکست‌ناپذیر است: «إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (آل عمران: ۱۶۰).

این ایستادگی می‌تواند در حوزه‌های گوناگون انجام شود؛ گاه ممکن است جان انسان در خطر باشد؛ چنانکه قرآن در مورد گذشتگان گزارش‌هایی از فشارهای دشمنان خدا بر موحدان و مؤمنان و صبر آنان داده است. برای نمونه، هنگامی که فرعون جادوگرانش را تهدید می‌کند که دست و پای‌شان را یکی از راست و یکی از چپ بریده و آن‌گاه همه را به دار خواهد آویخت: «الْقَطْعَنَ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ» (اعراف: ۱۲۴) آنان در پاسخ می‌گویند: «قَالُوا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ وَمَا نَنْفَعُ مِنْهَا إِلَّا أَنْ أَمَّا بآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَتْنَا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَقَّنَا مُسْلِمِينَ؛ ما به‌سوی پروردگارمان بازخواهیم گشت و تو جز برای این، ما را به کیفر نمی‌رسانی که ما به معجزات پروردگارمان وقتی برای ما آمد، ایمان آوردیم. پروردگارا بر ما شکیبایی فروریز و ما را مسلمان بمیران» (اعراف: ۱۲۵-۱۲۶). یعنی صبر و شکیبایی زیاد و فراگیر را بر ما فروریز تا تمام وجودمان را در برگیرد (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۴۱)؛ همان‌گونه

نقش توحید اجتماعی در صورت‌بندی الهیات مقاومت با تأکید بر قرآن

که آب (به همین نوع) فروریخته میشود. در این آیه، مؤمنان نفوس خود را به ظرف، صبر را به آب و اعطاء خدا را به ریختن آب تشبیه کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۸، ص ۲۱۸). جمله «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا» نشان می‌دهد در چنین موقعیتی، شکیبایی در کشته شدن و شکنجه شدن، پسندیده است؛ زیرا در راه خدا است (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۳۸۰). از این رو از خداوند درخواست صبر کردند. عبارت «وَتَوَقَّنا مُسْلِمِینَ»؛ یعنی ما را در حالی بمیران که در برابر تو و پیامبرت و به شکنجه و عذاب در راهت خشنود تسلیم باشیم (همان).

گاهی هم نیاز است در جریان مقاومت، موحدان از اموال خود چشم‌پوشی کرده و در راه خدا انفاق کنند. به گواه قرآن کریم، بخشش اموال در راه خدا - که نشان از حضور خدا در زیست اجتماعی است - خوف و حزن را از بین می‌برد؛ چراکه خداوند، آینده انفاق‌کننده را تضمین کرده است: «الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يَتَّبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذًى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۲۶۲). مراد از «سَبِيلِ اللَّهِ» هر امری است که به رضایت خدای سبحان می‌انجامد و هر عملی را که برای حصول غرضی دینی انجام گیرد، دربرمی‌گیرد؛ زیرا این کلمه در آیه شریفه مطلق آمده است و قیدی ندارد. نمونه والای بخشش مال در راه مقاومت، صرف تمامی ثروت حضرت خدیجه علیها السلام و پشتیبانی اقتصادی ایشان در دوران سخت تحریم ستمگرانه در شعب ابی طالب است که نقشی بی‌همتا در شکستن محاصره اقتصادی و نفوذ و پیشرفت حیرت‌انگیز آیین توحیدی داشت.

۳-۵. ممنوعیت تولی با کفار

از سازوکارهای دیگر مقاومت توحیدی، عدم تولی و دوستی و یاری گرفتن از دشمنان خداوند و امید بستن به آنان است؛ چراکه غیرخدا به‌تنهایی مانند همه نیازمند است و تنها ولی راستین خداست. قرآن، کسانی را که عزت را در دوستی و تولی با کفار می‌جویند چنین سرزنش کرده است:

«الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَيْتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (آل عمران: ۱۳۹).

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَتُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا» (آل عمران: ۱۳۹).

بنا به نص آشکار قرآن، تولی کفار نشانه نداشتن ایمان به خدا و رسول ﷺ است: «وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ فَاسِقُونَ» (مائده: ۸۱). سبب این بازدارندگی هم در این است که به فرموده قرآن: «إِنْ يَثْقَفُوكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُمُ بِالْأُسُوءِ وَذُؤُوا لَوْ تَكْفُرُونَ؛ اگر دشمنان بر شما چیره شوند، دشمنان (سرسخت) شما خواهند بود و دست و زبان شان را به بدی، به سوی شما خواهند گشود و دوست دارند که شما (از دین خود دست برداشته و) کفر ورزید» (ممتحنه: ۲). فراز «وَذُؤُوا لَوْ تَكْفُرُونَ» به این اشاره دارد که هدف دشمن از ضربه‌های نظامی و فرهنگی و اقتصادی، دست برداشتن شما از ایمان به خداست.

در آیه ۱۲۱ و ۱۲۲ سوره شعراء، به مجموعه چالش‌های پیامبران بزرگی از جمله نوح، ابراهیم، هود، صالح، شعیب، موسی ﷺ اشاره شده است و گزارش الهی و وحی را به گوش مردم می‌رساند. در این سوره، در هر زمانی که می‌خواهد چیرگی جبهه نبوت را بر جبهه کفر بیان کند، می‌فرماید: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ» (شعراء: ۱۲۱-۱۲۲)؛ یعنی با اینکه طرف مقابل اکثریت داشتند، قدرت و پول و سلاح دست آنها بود، اما جبهه توحید بر آنها پیروز شد؛ در این آیتی از آیات الهی است و خدای تو عزیز و رحیم است. بعد از آنکه قرآن این گزارش را در طول سوره شعراء تکرار می‌کند، در آخر سوره، خطاب به پیغمبر ﷺ می‌فرماید: «وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ» به این خدای عزیز و رحیم که تضمین‌کننده غلبه حق بر باطل است، توکل و تکیه کن؛ زیرا عزت حقیقی از خداوند است.^۱

۴. نقش توحید اجتماعی در هدف‌گذاری مقاومت‌ورزی

توحید اجتماعی با محوریت فطرت الهی - که امری جهان‌شمول و فراملیتی است - امکان

۱. بیانات رهبری در مراسم بیست و سومین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) در تاریخ ۱۳۹۱/۰۳/۱۴.

نقش توحید اجتماعی در صورت‌بندی الهیات مقاومت با تأکید بر قرآن

ترجمان گفتمان الهیات مقاومت را در فرهنگ و اقلیم‌های مختلف فراهم می‌کند و می‌تواند از راه یکتاپرستی اجتماعی و استقامت‌ورزی بر آن با درنوردیدن مرزهای جغرافیایی، ملیت‌های ناهمگون را حول ریسمان الهی، گردهم بیاورد و زمینه‌ساز و تسهیل‌گر تحقق جامعه توحیدی شود. انسان‌ها در هر گوشه‌ای از این دنیا که باشند حق دارند خدا را شناخته و او را پرستش کنند؛ چراکه هدف از آفرینش جن و انس، عبودیت و فرمان‌بری از خداوند است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶) و اگر کسی مانع این کار شود، به حقوق بشریت تجاوز و «صَدَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» کرده (رک: نساء: ۱۶۷/توبه: ۹ و ۳۴/نحل: ۸۸/محمد: ۱ و ۳۴/مجادله: ۱۶/منافقون: ۲/آل عمران: ۹۹/انفال: ۳۶ و ۴۷/هود: ۱۹/ابراهیم: ۳) و بازدارنده شناخت حقیقت و گرایش مردم به دین اسلام شده و آنان را از رسیدن به یکی از مهم‌ترین حقوق اجتماعی‌شان محروم کرده است. از نگاه علامه طباطبائی رحمته‌الله علیه قرآن اثبات کرده که مهم‌ترین حقوق انسانیت، توحید و قوانین دینی برآمده از آن است (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۷۱). بر اساس این بیان، طاغوت‌ها و معبودهای دروغین که می‌توانند در قالب سلطه نظامی، اقتصادی، فرهنگی و علمی جلوه‌گر شوند و جوامع را با تهدید، تحمیق، حيله و نیرنگ به اطاعت از خود وادار می‌کنند، حق اولیه و ذاتی آنها را پایمال کرده‌اند. از این‌رو هدف مقاومت برخاسته از توحید اجتماعی، رساندن بشریت به حق واقعی و اصیل‌شان است. بنابراین، با نگاه اجتماعی به توحید و اطلاق آیات یادشده، هدف‌گذاری در الهیات مقاومت، تبدیل حق پرستش خداوند به مطالبه و حقی همگانی از حیث نظری و التزام به لوازم عملی آن در کل زیست فردی و اجتماعی است و امور، چنان باید تنظیم شوند که تمام ارتباطات و تعاملات فردی و اجتماعی به‌سوی تحقق این امر راهبری شود.

۵. نقش توحید اجتماعی در تعیین عرصه‌های مقاومت‌ورزی

توحید اجتماعی، در حیث تأثیرگذاری ایجابی، عرصه‌های مقاومت را گسترش داده است و قدرت اقتصادی، فرهنگی، سیاسی را - که نقش بسیار مؤثری در حاکمیت و تمکن دین خدا و غلبه بر دشمن دارد - وارد میدان مقاومت می‌کند و این از حیثیات ایجابی الهیات مقاومت بر پایه توحید اجتماعی است. با توجه به معنای عبودیت و هم‌سویی آن با واژه

اطاعت و فرمان برداری (ر.ک: عرب صالحی و پیشوایی، ۱۴۰۲ب)، پذیرش هرگونه نظام های مادی و عبودیت نظام های دست ساخته بشر و قوانینی که بشر آنها را صادر کرده و عمل کردن به اینها نوعی از شرک و عبادت غیر خداست و درواقع، عبادت به وجودآورندگان این نظام ها و مکاتب و مصداق شرک اجتماعی و پذیرش ولایت غیر خدا خواهد بود. همچنانکه از نگاه آیت الله خامنه ای، عبادت بت های بی جان در صدر اسلام عبارت است از عبادت ساختمان غلط و سیستم حاکم اجتماعی آن روز. همان سیستم طبقاتی غلط جاهلی که آن روز بر مردم حاکمیت داشت؛ چراکه آن بت های بی جان خودشان حرفی نداشتند به انسان بزنند که او را اطاعت کند (خامنه ای، ۱۴۰۱ب، ص ۲۸۳). این امر از اطلاق امر به پرستش خداوند و نفی عبادت و اطاعت از غیر او به دست می آید. اطلاق در نفی عبودیت غیر خداوند درواقع با نفی همه بنیان های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی - که زیربنای اصلی جامعه جاهلی است - عرصه مقاومت را به پهنای هستی گسترش می دهد؛ زیرا با اقتدار تک جنبه ای نمی توان داعیه دار توحید اجتماعی بود. توحید اجتماعی، اقتدار در تمام زمینه های علمی، فرهنگی، فکری، صنعتی، تکنولوژی، اقتصادی و نظامی و ... را می خواهد تا دشمن در سیاست های خود همه این موارد را محاسبه کند. لزوم این قدرت و اقتدار فراگیر و همه جانبه را می توان از جمله «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» برداشت کرد. قرآن می فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ»؛ هر نیرویی در قدرت دارید برای مقابله با آنها [= دشمنان]، آماده سازید! و (همچنین) اسب های ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را، که شما نمی شناسید و خدا آنها را می شناسد! و هرچه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) انفاق کنید، به طور کامل به شما بازگردانده می شود و به شما ستم نخواهد شد! (انفال: ۶۰).

واژه «قُوَّة» نه تنها وسائل جنگی و سلاح های مدرن هر عصری، بلکه تمام نیروها و قدرتهایی را که به گونه ای در پیروزی بر دشمن اثر دارد - اعم از نیروهای مادی و معنوی - را هم در برمی گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۲۲۲). مراد از قوه در اینجا، هر چیزی است که

نقش توحید اجتماعی در صورت‌بندی الهیات مقاومت با تأکید بر قرآن

بتوان با آن بر دشمن چیره شد، نیزه باشد یا موشک و یا چیزی دیگر (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۴۹۹). جنبه‌های قوت هم گسترده است و از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای در بردارنده جنبه‌های اقتصادی، قوت علمی، قوت فرهنگی، قوت سیاسی - که زمینه‌ساز قوت سیاسی، استقلال سیاسی است - و قوت تبلیغی می‌شود. با گذشت زمان هم عرصه‌های دیگری برای تقویت کشور و ملت به وجود می‌آید. * برای نمونه، از معانی‌ای که واژه قوه دربردارد، قدرت علمی و دانش تخصصی است. «همه حرکت موفق مجموعه‌های گوناگون بشری ابتدائاً در سایه علم انجام گرفته است؛ در سایه علم است که به قدرت، به ثروت، به اقتدار بین‌المللی، به عزت دست پیدا می‌کنند؛ این همه هم که در اسلام روی علم تکیه شده، به خاطر این است». ** همچنان که می‌تواند به معنای استحکام ساخت داخلی کشور باشد و قوی کردن فناوری، قوی کردن تولید داخلی، قوی کردن نفوذ در بازارهای خارجی و کشف ظرفیت‌های فراوانی که هنوز استفاده نشده است، می‌تواند مصادیق آن باشد. ***

۶. دستاوردهای توحید اجتماعی در نظریه مقاومت

در نظریه مقاومت، دستاوردهای توحید با خوانش اجتماعی، گویای حیث ایجابی نظریه مقاومت در گفتمان توحید است. برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱-۶. نزول برکات الهی در دنیا و آخرت

در قرآن به روشنی، به مقاومت‌کنندگان در راه برپایی توحید، برکات مادی و معنوی نوید داده شده است:

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ

* بیانات رهبری در سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران در تاریخ ۱۳۹۹/۰۱/۰۳.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45227>

** بیانات رهبری در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین (ع) در تاریخ ۱۳۹۸/۰۷/۲۱.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=437670>

*** بیانات رهبری در دیدار با مردم آذربایجان شرقی در تاریخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۹.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44955>

الَّتِي كُنْتُمْ تَوَعَدُونَ؛ آنان که گفتند: درحقیقت پروردگار ما خدای یکتاست و بر این ایمان پایدار ماندند فرشتگان رحمت بر آنها نازل شوند (و مژده دهند) که دیگر هیچ ترسی (از وقایع آینده) و حزن و اندوهی (از گذشته خود) نداشته باشید و شما را به همان بهشتی که (انبیا) وعده دادند بشارت باد» (فصلت: ۳۰).

بر اساس این آیه، کسانی که ربوبیت خداوند را پذیرفتند و در این راه از خود استقامت و مقاومت نشان دادند، در دنیا و آخرت مورد عنایات ولایت الهیه قرار خواهند گرفت. بخشی از این وعده، وسعت رزق است:

«وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا؛ و اینکه اگر آنها [= جن و انس] در راه (ایمان) استقامت ورزند، آنها با آب فراوان سیراب می‌کنیم!» (جن: ۱۶).

«ماء غدق» به معنای آب بسیار است و بعید نیست از سیاق استفاده شود که جمله «لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا» نمونه‌ای برای گسترش رزق باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰، ص ۴۶). در نتیجه در معنای این آیه خواهد بود: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» (اعراف: ۹۶). در منطق و حیانی سفارش به سازش نکردن و سستی با وعده پاداش عمل مورد تأکید است:

«فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكَكُمْ أَعْمَالَكُمْ؛ مبادا در مبارزه کوتاهی کنید و به دشمن پیشنهاد سازش دهید. شما بالاترید، چرا که خداوند با شماست و مطمئن باشید نتیجه مقاومت را بی‌کم و کاست به شما می‌دهد» (محمد: ۳۵).

از برکت‌های دیگر استقامت در راه خدا، از بین بردن ترس و اندوه مقاومت‌کنندگان موحد است: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (احقاف: ۱۳)؛ اینان در پیش‌رو هیچ امر مکروهی ندارند که خوف از عقاب آن محتمل باشد و همچنین هیچ مکروه محقق‌الوقوعی ندارند که عقاب و هولی داشته باشد و به همین جهت اندوهی نخواهند داشت؛ چون خوف جایی پیدا می‌شود که احتمال خطری باشد و اندوه زمانی است که خطری واقع شده باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸، ص ۱۹۶).

۲-۶. ایجاد بازدارندگی

اقتداری که در سایه افزایش توان و قدرت نظامی، علمی، فرهنگی و... به دست می‌آید، خود به خود، برای طاغوت‌ها ترسناک است. قرآن در تعلیل کسب قوت می‌فرماید: «تُرْهَبُونَ بِهٖ عَدُوِّ اللَّهِ وَعَدُوِّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمْ» (انفال: ۶۰). «تُرْهَبُونَ بِهٖ عَدُوِّ اللَّهِ وَعَدُوِّكُمْ» دربردارنده اصلی است که جامعه بشری را از هرج و مرج نگه میدارد و ستم‌گران قدرت‌مند را از بازیچه قراردادن زندگی انسان‌ها و بهره‌کشی از آنان باز می‌دارد. این اصل، عبارت است از: ایجاد نیرویی که در اختیار حقیقت‌طلبان و عدالت‌خواهان قرار گیرد و آنان با این نیرو جلوی ستم‌کاران و باطل‌گرایان را بگیرند و آنها را وادار کنند تا به حکم خدا و آیین او گردن بنهند (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۵۰۰). این اقتدار از بین‌برنده هر قدرتی در زمین است که برای خودش صفت الوهیت قائل بوده است و بر مردم طبق قوانین و اختیارات خود حکومت کرده و تصدیق نمی‌کند که الوهیت تنها از آن خداست؛ چراکه اسلام، نظامی کلامی نیست که آموزه‌ای را در دل‌ها نهادینه کند و مناسک را سامان دهد و رسالتش تمام شود! اسلام رویکردی عملی و واقع‌بینانه به زندگی است، بنابراین با رویکردهای دیگری بر اساس نیروهای مادی و سلطه‌جویانه روبه‌رو است و برای برقراری رویکرد الهی، از نابودی آن نیروهای مادی که مقاومت می‌کنند، گریزی ندارد و هدف نهایی، تثبیت الوهیت انحصاری خداوند و اقتدار او برای رهایی «انسان» در «زمین» از بردگی بندگان است (سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۳، ص ۱۵۴۳-۱۵۴۴).

این جنبه ایجابی از نظریه مقاومت، با نگاه آینده‌پژوهانه، راهبرد تقویت بنیه نظام اسلامی را به عنوان یک استراتژی بر پایه آموزه‌های قرآنی مورد تأکید قرار داده است و درماندگی دشمنان، تبدیل کردن تهدیدها به فرصت و فتح قله‌های عزت‌مندی و اقتدار را نوید می‌دهد.

۳-۶. بالفعل کردن امکان‌های بالقوه فردی و اجتماعی

تاریخ بشر نشان می‌دهد همواره سختی‌ها و امور ناخوشایند در زندگی فردی و اجتماعی سبب پیشرفت و رشد انسان‌ها بوده و استعدادها، نهفته و ناشناخته و کمالات وجودی آنان را آشکار کرده است. این امر در نظریه مقاومت با رویکرد و حیانی هم صادق است.

ایستادگی و تحمل سختی‌ها در راه خدا و در کنار آن، افزایش توان مندی و چشم ندوختن به غیر و توکل به خداوند، سبب بالفعل شدن امکان‌ها و ایجاد ظرفیت‌های بالقوه - چه در ساحت مادی و چه در ساحت معنوی - در فرد و جامعه شده و اعتماد به نفس اجتماعی را به دنبال خواهد داشت؛ به‌ویژه آنکه امداد غیبی که بروز توحید اجتماعی است وعده داده شده و بر اساس گزارش قرآن در صحنه‌هایی از جنگ بدر محقق شده است: «إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ» (انفال: ۹) و همچنین ضمانت چیرگی و پیروزی از سوی خداوند به موحدان داده شده و خداوند، تنها نجات‌دهنده انسان از مهلکه‌ها است: «قُلِ اللَّهُ يَنْجِيكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ» بگو: «خداوند شما را از اینها، و از هر مشکل و ناراحتی، نجات می‌دهد» (انعام: ۶۴).

۴-۶. زمینه‌سازی اقامه دین در جامعه

از دستاوردهای مهم مقاومت در گفتمان وحیانی، زمینه‌سازی همه‌جانبه در راستای اقامه دین و توحید در جامعه است. خداوند وعده داده است که حق را تحقق می‌بخشد؛ هرچند مجرمان کراحت داشته باشند: «وَيَحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ» (یونس: ۸۲) و این امر، جز از راه استقامت در مسیر حق به دست نخواهد آمد. علامه طباطبایی رحمته‌الله علیه ذیل آیه ۶۰ سوره انفال «وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» می‌فرماید: «از عبارت فهمیده می‌شود غرض حقیقی از تهیه نیرو، این است که مسلمانان به قدر توانایی‌شان بتوانند دشمن را دفع کنند و مجتمع خود را از دشمنی که جان و مال و ناموس‌شان را تهدید میکند، حفظ کنند. معنای مناسب‌تر با غرض دینی این است که در نتیجه قدرت و قوت کسب شده، به قدر توانایی‌شان آتش فساد را که سبب بطلان کلمه حق و ویرانی اساس دین فطری میشود خاموش کنند؛ دینی که به واسطه آن خداوند در زمین پرستش شود و عدالت میان بندگان جاری می‌یابد» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۱۱۶) و این همان وعده خلافت خداوند به مستضعفان و تمکن آنان در شرق و غرب عالم است. مؤمنانی که متعهد شدند به آیین او عمل کنند و در این راه، صبر کرده و مقاومت ورزیدند. این وعده به گفته بسیاری از مفسران در زمان ظهور حضرت حجت عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف محقق خواهد

نقش توحید اجتماعی در صورت بندی الهیات مقاومت با تأکید بر قرآن

شد: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» (نور: ۵۵). در فراز «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»؛ کلمه «شیئا» نکره آمده، که خود بر نفی شریک به طور اطلاق دلالت می کند و مراد از عبادت، خداپرستی خالص است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۱۵۳). همچنین شرک، تنها به پرستیدن بتها اختصاص ندارد و اگر کسی بر اثر اطاعت از مخلوق، فرمان خالق را مخالفت کند، در حکم مشرک خواهد بود (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۵، ص ۴۳۶).

در آیه ۲۶ سوره انفال، بر نصرت و یاری خداوند و لزوم مداومت در راه عبودیت خداوند سفارش شده است: «وَ اذْكُرُوا اِذْ اُنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ اَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَاَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ وَ رَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ». در این آیه، خداوند یادآوری میکند مسلمانان پیش از اسلام در ضعف، بیم، خواری و تنگ دستی به سر میبردند و پس از اسلام در حالت امنیت، سربلندی، ثروت و قدرت زندگی میکنند؛ زیرا آنان دعوت خدا و پیامبر ﷺ را به زندگی که فراخوانده بودند، پذیرفتند. هدف از این یادآوری، آن است که آنان باید همچنان به اطاعت و پذیرفتن دعوت به زندگی را ادامه دهند تا در سایه آن، با قوت و عزت مند زندگی کنند و اگر آنها از این دعوت روی برتابند و نافرمانی کنند به همان وضعیت ناتوانی و خواری - همانگونه که وضعیت امروز مسلمانان، به ویژه اعراب چنین است - بازخواهند گشت (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۴۶۹)؛ یعنی بازگشتن به دوران ذلت و سیاهی در صورت عدم ایستادگی و پافشاری در راه توحید و عبودیت الهی، قطعی است. از نگاه آیت الله خامنه ای، باید با اراده حرکت کرد و برای رویارویی با جاذبه های شیطانی، اراده قوی لازم است و در صورت مقاومت، قلّه حاکمیت دین خدا، حاکمیت حق، حاکمیت عدل فتح خواهد شد و مراد از خلقت انسانی - که عبارت از تکامل انسان و کمال بشری باشد - به دست می آید.^۱

۱. بیانات رهبری در پایان مراسم عزاداری اربعین حسینی در تاریخ ۱۴۰۲/۰۶/۱۵.

نتیجه‌گیری

بنا بر آنچه گذشت با خوانش اجتماعی از توحید، نظریه مقاومت در گفتمان توحیدی دارای جنبه‌های جدیدی شده و در زیربنا، سازوکار، هدف‌گذاری، عرصه‌ها، دستاوردها متفاوت از سایر گونه‌های دیگر مقاومت همچون مقاومت مسیحی یا سکولار صورت‌بندی می‌شود. برابر با توحید اجتماعی، عبودیت الهی و اطاعت مطلق از او و پیامبر ﷺ و جانشینان برحق‌شان، هسته اصلی و بنیان مقاومت می‌شود و موحدان با تواضعی به حق و صبر در این راه پرستش خدای یگانه و ترک شرک اجتماعی، با بهره‌گیری از سازوکارهایی که بر پایه توحید اجتماعی است، ایستادگی کرده و در رویارویی با هر مدعی ربوبیت، با توکل بر خدا هر نوع سختی و تلخی را می‌پذیرند. این‌گونه از مقاومت، حمایت از مظلومان، مستضعفان و رویارویی با سلطه‌گران را تا تحقق کامل پرستش اجتماعی بر روی زمین به عنوان حق اصلی انسان و هدفی متعالی ادامه می‌دهد. افزون بر آن، موحدان تربیت‌یافته در مکتب توحید ناب قرآنی با اراده قوی برخاسته از ایمان و ثبات در موضع‌گیری بر مدار توحید و عقلانیت متکی به وحی، با افزایش توان‌مندی در عرصه‌های گوناگون از ساحت اجتماع و داشتن روحیه جهادی، بر عزت و اقتدار و عظمت جامعه افزوده و ضمن ایجاد بازدارندگی در برابر طاغوتیان و نظام لجام‌گسیخته سلطه، تلاش می‌کنند با گسترش فرهنگ مقاومت توحیدی، نظم جدیدی در جهان حاکم شود و به واسطه دستاوردهای مادی و معنوی بی‌مانند آن، توحید در قامت طراحی و سامان‌دهی جامعه، زمینه‌ساز تحقق وعده‌های الهی در حق مؤمنین و مستضعفان شود.

منابع

* قرآن

* نهج البلاغه

- در ادامه، فهرست منابع با ویرایش علمی و استاندارد، همراه با اعداد فارسی ارائه شده است:
۱. ابن سیده، علی بن اسماعیل. (۱۴۲۱ق). المحکم و المحيط الأعظم. بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ۲. ابن عطیه، عبدالحق. (۱۴۲۲ق). المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز. تحقیق عبد السلام محمد. بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
 ۳. ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الإعلام الاسلامی.
 ۴. ازهری، محمد بن احمد. (۱۴۲۱ق). تهذیب اللغة. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۵. بیانات رهبری. برگرفته از: KHAMENEI.IR
 ۶. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶ق). الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیه. بیروت: دارالعلم للملایین.
 ۷. حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۲). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن. قم: صهباء.
 ۸. حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۴۰۱الف). تفسیر سوره حمد. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
 ۹. حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۴۰۱ب). تفسیر سوره بقره. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
 ۱۰. حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۴۰۳). تفسیر سوره منافقون. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
 ۱۱. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). لغت نامه دهخدا. تهران: روزنه.
 ۱۲. راغب اصفهانی، حسین. (۱۳۶۹). ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن. تهران: مرتضوی.
 ۱۳. زبیدی، محمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دارالفکر.
 ۱۴. زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ق). الکشاف. بیروت: دارالکتب العربی.
 ۱۵. سید قطب. (۱۴۲۵ق). فی ظلال القرآن. بیروت: دارالشروق.
 ۱۶. طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی للطبوعات.
 ۱۷. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.

۱۸. طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تهران: مرتضوی.
۱۹. طیب، عبدالحسین. (۱۳۶۹). اطبیب البیان فی تفسیر القرآن. تهران: اسلام.
۲۰. عرب صالحی، محمد؛ پیشوایی، فریده. (۱۴۰۲ الف). «مؤلفه‌های توحید اجتماعی در قرآن با تأکید بر اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای». مطالعات تفسیری مفتاح، شماره ۱۰.
۲۱. عرب صالحی، محمد؛ پیشوایی، فریده. (۱۴۰۲ ب). «تحلیل مؤلفه‌های توحید اجتماعی از دیدگاه مفسران فریقین و روایات و نسبت‌سنجی آن با واژه عبادت». پژوهشنامه معارف قرآنی، شماره ۵۴، صص ۱-۳۷.
۲۲. عمید، حسن. (۱۳۸۹). فرهنگ عمید. تهران: راه رشد.
۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ ق). کتاب العین. قم: هجرت.
۲۴. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). مجموعه آثار (شرح منظومه، سیر فلسفه در اسلام، کلیات علوم اسلامی: منطق و فلسفه). تهران: صدرا.
۲۵. معین، محمد. (۱۳۸۱). فرهنگ معین. تهران: کتاب راه نو.
۲۶. مغنیه، محمد جواد. (۱۴۲۴ ق). التفسیر الکاشف. قم: دارالکتاب الإسلامی.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۲۸. مهنا، عبدالله علی. (۱۴۱۳ ق). لسان اللسان: تهذیب لسان العرب. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۹. همتی، همایون. (۱۴۱۳ ق). «تاریخچه و تبیین ساختار الهیات سیاسی و رهایی بخش». معرفت ادیان، شماره ۲۰، صص ۱۲۳-۱۳۸.